

تحلیلی بر روند

تفسیر نویسی فقهی در دوره صفوی

دکتر احمد امیری^۱



(از ص ۲۵ - ۵۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۱۲/۱۴

چکیده

نگارش تفاسیر آیات احکام مطابق فقه شیعه که از سده ۲ ق آغاز شد با قدرت یافتن صفویان در ایران به صورتی بی سابقه گسترش یافت. در این مقاله به تحلیل تأثیر فضای سیاسی، شرایط و نیازهای اجتماعی عصر صفوی در رشد کمی و ویژگی های تفسیر نویسی فقهی عهد مذکور پرداخته شده است.

رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران به وسیله صفویان از اوایل سده ۱۰ ق و احساس نیاز حاکمان به وجود قوانین مدون عملی بر اساس فقه شیعه، باعث دعوت از عالمان شیعی خارج از ایران به ویژه جبل عامل لبنان گردید. حضور و تأثیر فقهای مهاجر موجب پرورش فقهای مفسر به ویژه در نیمه دوم روزگار صفوی شد.

مطالعه سیر کمی تفسیر نویسی فقهی روشن ساخت که رویکرد بسیار ضعیف به تفسیر آیات احکام در آغاز حکومت صفویان، به تدریج شدت پیدا کرده و در یکصد سال آخر عهد صفوی در اوج بوده است. همزمانی گسترش اخباری گری با اوج گیری تفسیر نویسی فقهی در مدت زمان یاد شده بیانگر وجود ارتباطی مستقیم میان این دو پدیده معرفتی - دینی است. به گونه ای که تفاسیر فقهی این دوره رنگ روایی یافته و می توان آنها را شاخه ای از تفسیر نقلی دانست.

کلید واژه ها: آیات احکام، سیاست، صفویه، اخباری گری، مهاجرت عالمان.

مقدمه

قرآن کریم شامل دست‌کم صدها آیه است که وظایف مسلمانان را در عرصه‌های مختلف زندگی عملی معین می‌کند.^۱ مسلمانان صدر اسلام با فهم آیات نازله بدانها عمل نموده و در صورت برخورد با مشکلی در فهم یا نحوه‌ی عمل به آن آیات به رسول اکرم (ص) مراجعه می‌کردند. پس از رحلت پیامبر (ص) آن دسته از مسلمانان که بر امامت و مرجعیت دینی و سیاسی علی (ع) و امامان بعد از آن حضرت باور نداشتند، برای استنباط احکام عملی به سنت پیامبر (ص) مراجعه نموده و در صورت بقای مشکل به رأی استنباط شده‌ی خود از قرآن یا به اجتهاد سایر صحابه و یا تابعان اعتماد می‌کردند. تاریخ، اختلاف‌های زیادی بین صحابه یا تابعین ثبت کرده است. از جمله اختلاف ابن عباس و زیدبن ثابت در مورد تقسیم میراث زوجه‌ای که زوج ابوینش میراث بر او باشند.

اختلاف‌های فقهی میان صحابه و تابعان و اتباع آنان ادامه داشت تا این که مذاهب اربعه فقهی در بین اهل سنت شکل گرفتند. پس از این مرحله بود که اصحاب هر یک از مذاهب به تفسیر آیات قرآن مطابق مذهب خود پرداختند و کتابهایی تحت عنوان احکام القرآن نگاشتند (ذهبی، ۲/ ۴۳۲-۴۳۴) از جمله کهن‌ترین احکام القرآن‌های اهل سنت می‌توان به کتاب‌های محمدبن سائب کلبی (د. ۱۴۷ ق)، مقاتل بن سلیمان (د. ۱۵۰ ق)، یحیی بن آدم (د. ۲۰۳ ق) و محمدبن ادریس شافعی (د. ۲۰۴ ق) اشاره نمود (احکام القرآن، ۶۷۹ و ۶۸۰).

در شیعه نگارش پرتعداد آیات الاحکام‌هایی که شبیه احکام القرآن‌های اهل سنت باشند با فاصله‌ای زمانی صورت پذیرفت. علت این تأخر، امتداد حضور معصوم (ع) در بین آنان بود که با وجود او (ع) در صورت بروز مشکل در فهم یا عمل به حکمی فقهی به خود معصوم مراجعه کرده و تا حد ممکن از صدور فتوا و عمل به مقتضای رأی خود اجتناب می‌کردند. به علت فوق، این عامل را می‌توان افزود که شیعیان در طول تاریخ پیش از صفویان، از سیاست و حکومت به دور بوده و کمتر به فتواهای جدید نیاز پیدا می‌کردند.

با ظهور و تشکیل حکومت صفویان و رسمی شدن مذهب شیعه در ایران، حاکمان صفوی به وجود و لزوم تدوین احکام عملی مطابق فقه شیعه احساس نیاز کرده و، از این رو از فقهای

۱ - برخی از محققان معاصر تعداد آیه‌هایی که می‌توان احکام فقهی را از آنها استنباط کرد، بیش از ۵۰۰ آیه و حدود ربع قرآن می‌دانند؛ (رک: ایازی، فقه پژوهی قرآنی، ۱۲؛ مسعودی، ۶۴ - ۶۵).

شیعه، که عمدتاً بیرون از ایران زندگی می‌کردند، دعوت نمودند تا به ایران آمده و خلأ وجود قوانین اسلامی مطابق فقه شیعه را ترمیم کنند.

مهاجرت علمای شیعه از جیل عامل و سایر مناطق به ایران

با وجود سابقه دعوت از علمای شیعه خارج از ایران (برای نمونه رک: شهید ثانی، ۱/۲۲-۲۴) دعوت از عالمان مذکور در عصر صفوی، به ویژه از سوی شاهان، و اجابت و مهاجرت عالمان به ایران، با این گستردگی بی سابقه است. در بیان علل مهاجرت صرف نظر از وابستگی‌های فردی، زمینه‌های تاریخی و ویژگی‌های جغرافیایی و شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مبدأ و مقصد مهاجرت نیز اهمیت دارند.

در ایران قبل از صفویه، با وجود رواج تشیع در شهرهایی مانند قم، ساوه و ری، بسیاری از مردم ایران اهل تسنن بودند (فرهانی منفرد، ۱۵۶). با ظهور صفویان و اقدامات سختگیرانه مذهبی اسماعیل اول، مردم خواسته یا ناخواسته تشیع را پذیرفتند و مذهب شیعه در ایران رسمیت یافت (مشکور، ۳۴). پس از شور و التهاب در اوایل حکومت صفویان، شاهان و حکومت‌ها علاقه مند بودند که فضای کشور آرام شده، نظم و قانون استقرار یابد، البته قانون کشور می‌بایست براساس مذهب شیعه باشد ولی در ایران آن زمان، فقیه شیعی کم و منابع شیعه برای آموزش مذهب رسمی نیز اندک بود و لازم بود برای تدوین اصول و قواعدی که دین و دنیای کشور جدید شیعی مذهب را با آن بتوان اداره کرد، از علمای شیعه که در بیرون از ایران بودند دعوت بعمل آید (طاهری، ۱۷۲).

مسأله دیگر، تضعیف شدید پیوند مریدی و مرادی میان شاه و پیروان او بود. پس از جنگ چالدران (۹۲۰ ق)، منزلت نیمه الهی اسماعیل شکسته شد و شاهان صفوی از آن به بعد تلاش می‌کردند تا نسب خود را به پیامبر (ص) رسانده و خودشان را نماینده و مأمور ائمه (ع) قلمداد کنند تا از این طریق حیثیت از دست رفته را، به نحوی دیگر، باز یابند. دعوت از علمای شیعه خارج و ترویج مذهب تشیع می‌توانست در تأمین این هدف مؤثر واقع شود (فرهانی منفرد، ۹۰ و ۹۱).

در مبدأ مهاجرت، جبل عامل، وضع شیعیان و عالمان نامساعد بود. نفوذ و سلطه حکومت‌های سنی مذهب در شام، از حکومت ممالیک تا عثمانی، شیعیان این قلمرو را در سختی قرار داده بود. ستمگران تسلط داشتند و مالیات‌ها سنگین بود. درگیری‌های میان مشایخ و بزرگان شیعه و امرای لبنان و جنگ‌های سپاه لبنان و مردم جبال عامله و غارت مردم مزید بر علت بودند (رک: مظفر، ۲۳۸-۲۶۴).

از سوی دیگر، مهاجرت به ایران برای علمای جبال عامله بهره‌های اقتصادی هم به دنبال داشت. برخورداری از شرایط مساعد و مناسب اقتصادی در زندگی، در صورت هماهنگی با دولت، بهره‌مندی از انواع عطایا و جوایز چه به صورت املاک و چه به صورت نقدی و جنسی می‌توانست از جمله انگیزه‌های دیگر مهاجرت باشد. باید اضافه کنیم که اشتیاق علمای شیعه برای زندگی در قلمرو یک حکومت شیعی هم در مهاجرت علمای جبل عامل و سایر مناطق به ایران مؤثر بوده است. (فرهانی منفرد، ۹۳-۹۵).

حضور و نفوذ شدید فقهای مهاجر در مناصب دینی، سیاسی و اقتصادی ایران، علاوه بر تأثیری که در اوضاع سیاسی و اقتصادی داشت، موجب تحولات چشمگیری در روند علوم دینی - شرعی، از جمله فقه، حدیث، تفسیر و دانش ترکیبی تفسیر فقهی داشته است.

تفسیر نویسی فقهی

تفاسیر فقهی، قدیمی‌ترین تفاسیر موضوعی هستند که آیات احکام را در موضوعی در آن گردآوری نموده و از خلال آنها حکم هر موضوع را استخراج و تفریع می‌کنند. معمولاً کتاب‌های احکام القرآن بیش از آن که بیان‌کننده‌ی احکام و توضیح و ترتیب منطقی مباحث فقهی باشند، تفسیر و تشریح احکام با استفاده از قرآن هستند.

برخی از فقه‌پژوهان معتقدند کتاب‌های آیات الاحکام تبیین‌کننده و توجیه‌گر احکام موجود در کتب فقهی هستند. به عبارت دیگر مفسران آیات احکام پیش از تفسیر، دستورات فقهی در زمینه‌های مختلف را مدون کرده و طرح مدون و نظری آن را ریخته‌اند آن‌گاه آن‌ها را با آیاتی که در قرآن آمده تطبیق می‌دهند. چراکه پیش از تألیف تفاسیر آیات احکام، احکام فقهی هر

مذهب مشخص و چه بسا در کتاب هایی مدون شده است. بنابراین تفسیر فقهی آیه ای در حقیقت دفاع از حکم آن آیه براساس مذهبی خاص است (ایازی، زبده البیان، ...، ۳۰۸ و ۳۰۹). در مقام نقد دیدگاه فوق باید به این نکته توجه کرد که فقیهان احکام موضوعات را با ملاحظه و رعایت قواعد اصولی از منابع معتبر از جمله قرآن، که اولین و مهم ترین مأخذ استنباط احکام به شمار می رود، استخراج می کنند و بهتر است کتاب های آیات الاحکام بیان گر و شارح ادله قرآنی احکام دانسته شوند.

در نگارش تفاسیر فقهی در شیعه و اهل سنت تفاوت هایی وجود دارد. از جمله در شیعه بیشتر تفاسیر فقهی بر اساس ابواب فقه بوده در حالی که در اهل سنت اساس، ترتیب آیات احکام در قرآن و سوره های آن است. فرق دیگر در شیوهی استنباط است. مثلاً شیعه، قیاس، استحسان و مصالح مرسله را به عنوان ملاک اجتهاد نمی پذیرد در حالی که در بین مذاهب فقهی اهل سنت و فقیهان مفسر آنان، هر کدام از روش های پیش گفته طرفداران زیادی دارند (همو، ۳۱۷، ۳۳۶). اگر از ذکر عناوین تفاسیر فقهی که در قرن های مختلف در بین مذاهب فقهی اهل سنت نگاشته شده است صرف نظر کنیم (رک: ذهبی، ۴۳۸/۲ - ۴۶۴) باید بگوئیم در طول تاریخ شیعه، تفاسیر فقهی متعددی نوشته شده اند که فقه القرآن سعید بن هبه الله راوندی (د. ۵۷۳ ق)، منهاج الهدایة ابن متوج بحرانی (د. ۸۲۰ ق) و کنزالعرفان فاضل مقداد (د. ۸۲۶ ق) نمونه های مهمی در دوره های پیش از صفویان هستند (نیز رک: هاشم زاده، ۱۶۷-۱۷۶). با ظهور صفویان و تشکیل دولت شیعی در ایران و پدیدار شدن جنبش تدوین آثار فقهی - تفسیری، در نگارش تفاسیر فقهی تحولی بزرگ به وجود آمد و تفاسیر فقهی متعددی در طول حکومت صفویان در ایران نوشته شد که در ذیل به ذکر آنها پرداخته، سپس به تحلیل روند امر مذکور خواهیم پرداخت.

تفاسیر فقهی عصر صفوی

با توجه به این که حکومت صفویان نزدیک دو و نیم قرن، از سال ۹۰۷ ق تا ۱۱۳۷ ق، طول کشیده و با عنایت به فراوانی و تفاسیر فقهی نگاشته شده در این دوره، برای این که بتوانیم تحلیل

دقیق تری از این روند ارائه نمائیم هر نیم قرن دوران حکومت صفویان را یک مقطع در نظر گرفته‌ایم.

نیمه اول قرن دهم

۱- معدن العرفان فی فقه مجمع البیان لعلوم القرآن، ابراهیم بن حسن دراق (یا وراق) (د. نیمه اول قرن ۱۰ ق) (هاشم زاده، ۱۷۶، قس: عقیقی، طبقات، ۴۰۳/۲).

نیمه دوم قرن دهم

۲- تفسیر آیات الاحکام، محمدبن حسن طیبی (اواخر قرن ۱۰ ق) (همانجا).

۳- آیات الاحکام، محمد (یا محمود) بن علی حسینی مرعشی (معاصر شاه طهماسب اول) (هاشم زاده، ۱۷۷).

۴- آیات الاحکام، جلال الدین سیدمهدی بن صلاح (د. ۹۷۶ ق) (عقیقی، همانجا).

۵- تفسیر شاهی، امیرابوالفتح حسینی جرجانی (د. ۹۸۶ ق) (دانش آموز، ۱۰۰).

۶- زبده البیان فی احکام القرآن، احمدبن محمد مقدسی اردبیلی (د. ۹۹۳ ق) (معرفت، ۳۷۱/۲).

نیمه اول قرن یازدهم

۷- مسالک الافهام الی آیات الاحکام، شیخ جواد کاظمی (نیمه اول قرن ۱۱ ق) (مظلومی، ۱۶۰/۵ و ۱۶۱).

۸- آیات الاحکام، میرزا محمد استرآبادی (د. ۱۰۲۶ ق) (هاشم زاده، همانجا؛ اشراقی، ۲۴ و ۲۵).

۹- احکام القرآن، محمد امین استرآبادی (د. ۱۰۳۶ ق) (مظلومی، همانجا).

۱۰- تفسیر قطب شاهی فی شرح آیات الاحکام، محمد یزدی معروف به شاه قاضی (د. ۱۰۴۰ ق) (هاشم زاده، همانجا).

۱۱- آیات الاحکام، سید حسین بن میرابراهیم حسینی سیفی قزوینی (اشراقی، ۲۴ و ۲۵).

نیمه دوم قرن یازدهم

۱۲- فتح ابواب الجنان فی تفسیر آیات الاحکام، محمدبن حسین عاملی (د. حدود ۱۰۸۰ ق)

(هاشم زاده، همانجا).

۱۳ - مفتاح الاحکام فی شرح آیات الاحکام القرآنیة، محمد سعید بن سراج الدین طباطبایی قهپائی (د. ۱۰۹۲ ق) (همو، ۱۷۸).

۱۴ - آیات الاحکام الفقهیة، مولی ملک علی تونی (تاریخ کتابت ۱۰۶۸ تا ۱۰۹۸ ق) (همانجا).

۱۵ - احکام القرآن، آقا حسین خوانساری اصفهانی (د. ۱۱۰۰ ق) (همانجا؛ اشراقی، ۲۴).

نیمه اول قرن دوازدهم

۱۶ - حواشی زبده البیان، سید نعمت الله جزایری (د. ۱۱۱۲ ق) (هاشم زاده، همانجا).

۱۷ - احکام القرآن، شیخ جعفر قاضی (د. ۱۱۱۵ ق) (همانجا).

۱۸ - احکام القرآن، سلیمان بن عبدالله بحرانی (د. ۱۱۲۲ ق) (اشراقی، ۲۵).

۱۹ - حاشیة علی زبده البیان فی تفسیر احکام القرآن، میرزا محمد تنکابنی معروف به سراب تنکابنی (د. ۱۱۲۴ ق) (هاشم زاده، همانجا).

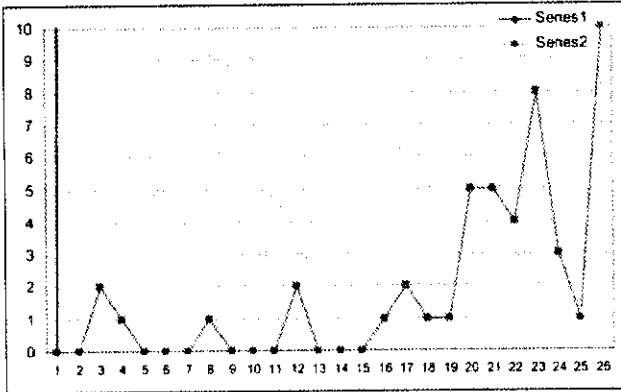
۲۰ - احکام القرآن، میر محمد صالح بن عبدالواسع خاتون آبادی (د. ۱۱۳۰ ق) (مظلومی، ۱۶۰/۵ و ۱۶۱)

۲۱ - ایناس سلطان المومنین، سید محمد بن علی موسوی عاملی (د. ۱۱۳۹ ق) (آقابزرگ، ۵۱۷/۲).

۲۲ - تحصیل الاطمینان فی شرح زبده البیان، میر محمد ابراهیم قزوینی معروف به میر ابراهیم (د. ۱۱۴۹ ق) (هاشم زاده، ۱۷۸-۱۷۹).

۲۳ - قلاند الدرر فی بیان آیات الاحکام بالأثر، احمد بن اسماعیل جزایری نجفی (د. ۱۱۵۰ ق) (مظلومی، ۱۶۰/۵-۱۶۱).

توجه به مقاطع تاریخی تألیف کتاب های آیات الاحکام در طول دوره صفوی نشان گر آن است که گرایش چشمگیر به نگارش تفسیرهای فقهی وجود داشته است و این رغبت از اواسط قرن ۱۰ ق شدت پیدا کرده و در اواخر دوره صفوی، نیمه دوم قرن ۱۲ ق، در اوج خود بوده است. اگر بخواهیم به سیر کمی نگارش تفاسیر فقهی شیعی در طول تاریخ اسلام نگاهی داشته باشیم، نمودار شماره ۱، که در آن هر نیم قرن یک مقطع در نظر گرفته شده، گویا خواهد بود.



نمودار شماره ۱- تعداد تفاسیر در نیمه‌های اول و دوم سده‌های مختلف قمری

تأمل در تعداد تفاسیر فقهی در دوره‌های پیش از صفویان یعنی قبل از قرن دهم، نشان می‌دهد که به دلیل وجود عواملی مانند دوری علمای شیعه از قدرت سیاسی و عدم احساس نیاز به تدوین کتب احکام القرآن، توجه به تفسیر نویسی فقهی کم بوده است. ولی با روی کار آمدن صفویان و رسمیت یافتن مذهب شیعه و توجه به فقه شیعه و عالمان آن مذهب و حمایت حاکمان از آنان و نیز اراده شاهان صفوی بر اداره کشور براساس قوانین شیعی توجه به نگارش آیات الاحکام‌ها بصورت بی سابقه ای افزایش پیدا کرد و این رویکرد در سراسر حکومت صفویان، البته با فراز و نشیبی اندک، استمرار داشته است.

پس از سقوط صفویان و کاهش عنایت به فقه شیعه و عالمان شیعی، نگارش آیات الاحکام‌ها سیر نزولی سریعی داشته است به صورتی که در نیمه دوم قرن ۱۲ ق، ۳ تفسیر فقهی و در نیمه اول قرن ۱۳ ق تنها یک کتاب آیات الاحکام نگاشته شده است. البته با فرا رسیدن قرن ۱۴ ق حرکتی جدید در توجه به فقه شیعه و تفسیر نویسی فقهی پدید آمد که از نظر رشد کمی و کیفی بسیار فراتر از دوره‌های قبل خود حتی دوره صفویه است (برای فهرست آیات الاحکام‌های قبل و بعد از صفویه رک: هاشم زاده، ۱۶۵ - ۱۸۴).

تأثیر اخباری‌گری در تفاسیر فقهی

نکته‌ی بسیار مهم که در باب تفاسیر فقهی عصر صفوی باید بدان توجه ویژه شود، تأثیر اندیشه

اخباری در تفاسیر فقهی این دوره است. همزمان با تشدید رویکرد به نگارش آیات الاحکام ها، در نیمه دوم قرن ۱۱ ق و به ویژه نیمه اول قرن ۱۲ ق، اخباری گری در اوج قوت خود بوده است. و همین فضا باعث گردید تا تفاسیر فقهی این برهه نیز، صبغه نقلی و روایی به خود گیرد و بالطبع مراجعه به خود قرآن و تحلیل های عقلی در آنها بسیار کم باشد (صالحی، ۹-۱۰، جعفریان، حیات، ۱۵۴) و می توان تفاسیر فقهی این دوره را شاخه ای از تفاسیر روایی به شمار آورد.

اخباری گری مانند سایر پدیده ها معلول عواملی است که باعث شکل گیری و گسترش این تفکر شده اند از جمله این عوامل می توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف - مبنای معرفت شناختی اخباری گری، که در واقع علت نظری این پدیده است، اخباریان راه رسیدن به معرفت را تنها الهام و وحی می دانستند و به تکاپوی عقل در راه کسب دانش و قعی نمی نهادند (ابراهیمی دینانی، ۱/۱۱۱).

ب - افراط در اجتهاد از جانب اصولیان، چنان که برخی پیدایش جنبش اخباری را محصول افراطی دانسته اند که مجتهدان در عقلگرایی داشتند (همو، ۱/۱۰۴).

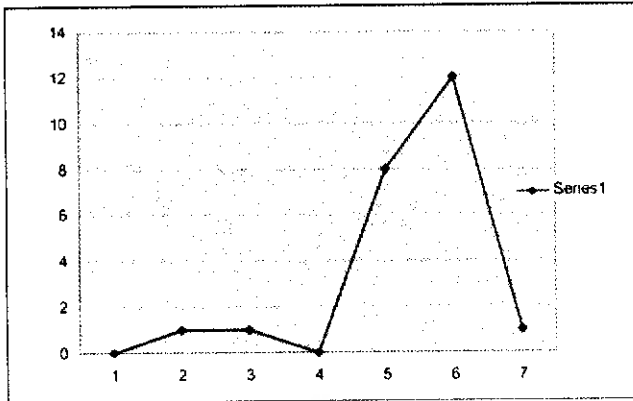
ج - گسترش و تشدید اختلاف در مکاتب فقهی و اصولی، که باعث شد برخی از عالمان دینی به اثر و خبر که از استحکام بیشتری برخوردار بود روی آورند (عقیقی، مفسران، ۱۷۰).

د - ضعف و نارسایی فلسفه و علوم عقلی و ذوقی.

ه - برخی به عوامل فوق اسبابی چون حاکم شدن تعصبات بر فضای علمی، حمایت صاحب منصبان از مذهب معتقد خود (گرجی، ۶۰۷) قدرت نمایی اخباریان بر علیه دنیاگرایی مجتهدان، واکنش اخباریان ایرانی در مقابل نفوذ مجتهدان عرب، (الگار، ۶۷؛ فرهانی منفرد، ۱۵۷ و ۱۵۸) هماهنگی میان تفکر اخباری و تصوف در ظاهرگرایی (شیبی، ۳۹۲) و تأثیر از مکتب حس گرایی که همزمان در اروپا رونق گرفته بود، (جناتی، ۳۰۷ و ۳۰۸؛ مطهری، ۸۴ و ۸۵).

در فاصله زمانی نیمه دوم قرن ۱۱ ق تا اواخر قرن ۱۲ ق که اندیشه اخباری غلبه داشت غالب آثار تألیف شده رنگ روایی داشتند. تأثیر عمومی غلبه این تفکر در تفسیر نویسی عهد صفوی را می توان چنین تحلیل نمود که کثرت تفاسیر نقلی در نیمه دوم قرن ۱۱ ق و نیمه اول قرن ۱۲ ق

نسبت به دوره‌های قبل و بعد، حکایت از شدت تأثیر اخباری‌گری در یک سده فوق دارد.



نمودار شماره ۲ - سیر کمی تفاسیر نقلی شیعه در دوران صفویه

توجه به نمودار فوق که نشان‌گر تعداد تفاسیر نقلی، اعم از فقهی و غیرفقهی، در دوره صفوی است نشان می‌دهد که سیر نگارش تفاسیر نقلی شیعی که در قرن ۹ ق در رکود کامل بود، از قرن ۱۰ ق شروع به تحرک نموده و در سیر صعودی خود در نیمه دوم قرن ۱۱ ق رشد چشم‌گیری داشته است و نقطه اوج تفسیر نویسی نقلی در نیمه اول قرن ۱۲ ق بوده و در نیمه دوم قرن ۱۲ ق به شدت افول کرده است. ناگفته پیداست که صعود و نزول در تفسیر نقلی، کاملاً هماهنگ با شدت و ضعف تفکر اخباری است و همچنین شدت و ضعف تفکر اخباری رابطه مستقیمی با نظام سیاسی و فکری یکصد سال اخیر حکومت صفویان، به ویژه دوران حکومت شاه سلیمان (حک: ۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) و شاه سلطان حسین (حک: ۱۱۰۵-۱۱۳۷ ق) داشته است و این ارتباط در افول همزمان حکومت صفویان، تفکر اخباری و تفسیر نویسی نقلی فقهی خود را بیشتر می‌نمایاند (برای تعداد تفاسیر روایی رک: مظلومی ۷۸/۵-۸۱ و ۱۳۸-۱۳۹).

در زمینه تفسیر نویسی فقهی، به صورت خاص، در دوره صفوی و تأثر آن از جریان اخباری‌گری باید گفت، آثاری که در این فاصله زمانی در زمینه فقه از جمله آیات الاحکام پدید آمده‌اند نیز از تأثیر این جریان فکری به دور نبوده‌اند و در آنها مراجعه به خود قرآن و تحلیل‌های عقلی بسیار کم است (صالحی، ۹ و ۱۰؛ جعفریان، حیات، ۱۵۴) به عنوان نمونه می‌توان به آیات

الاحکام (یا تفسیرشاهی) امیر ابوالفتح جرجانی (د. ۹۷۶ ق) اشاره کرد که با وجود عدم اوج گیری تفکر اخباری در قرن ۱۰ ق، وی در تفسیر آیات مربوطه به احکام از روایات پیامبر (ص) و ائمه (ع) بیشترین بهره را برده است (رک: ابوالفتح حسینی، ۱۹/۱).

گزینش در تفسیر نویسی فقهی عصر صفوی

در هر دوره‌ای از تاریخ ممکن است یک موضوع دینی یا علمی خاص، ناگهان مورد عنایت عالمان و محققان قرار گیرد و در شرایط زمانی و مکانی ویژه، در مدت کوتاهی رساله‌های متعدد درباره آن نوشته شود که نشانگر وجود حساسیتی اجتماعی، سیاسی و یا دینی در آن موضوع است.

بررسی مسائل فکری و فرهنگی عهد صفوی نشان می‌دهد که در این دوره تاریخی موضوعاتی اهمیت خاص یافته و در مورد آنها رساله‌ها و کتاب‌های متعدد نگاشته شده‌اند که از جمله آن موضوعات می‌توان به امر به معروف و نهی از منکر، سیادت نوروز، تفسیر و تبیین احکام فقهی موضوعاتی چون طهارت خمر، ذبایح اهل کتاب، جوایز سلطان، خراج، خمس و نماز جمعه اشاره نمود (مدرسی طباطبایی، ۱۷۶-۲۵۳؛ جعفریان، دین، ۱۲۱ و ۱۲۲).

نماز جمعه

مسئله نماز جمعه و اثبات و وجوب عینی یا تخییری و یا حرمت اقامه آن در عصر غیبت در عصر صفوی اهمیت ویژه‌ای یافته بود که سبب گردید در تفاسیر به نماز جمعه و سوره جمعه به تفصیل پرداخته شود و یا تفاسیر جداگانه‌ای برای سوره جمعه - به صورت تک نگاری نوشته شود. در این عصر بیش از صد رساله درباره نماز جمعه و حکم فقهی آن نوشته شد. عالمانی مانند شهید ثانی، فیض کاشانی و علامه مجلسی رساله‌هایی در اثبات وجوب عینی نماز جمعه نوشتند و علمایی چون محقق کرکی و میرداماد در رسائل خود قابل به تخییری بودن وجوب

آن شدند و برخی مانند فاضل هندی و قاضی نورالله شوشتری به حرمت اقامه نماز جمعه در زمان غیبت گراییدند (رک: جعفریان، دین، ۱۷۵ - ۱۷۸).

اهمیت سیاسی نماز جمعه برای صفویان و نیز علمای آن دوره یکی از آن جهت بود که اقامه نماز جمعه، تمایز و استقلال سیاسی و مذهبی ایران را نشان می‌داد. دیگر از آن رو بود که اقامه آن مشروعیتی برای حکومت ایجاد می‌کرد و نیابت آنان از امام زمان (عج) و شباهت حکمی حکومت آنان با زمان حضور امام معصوم (ع) را به نوعی هم‌سنگی و تصدیق می‌کرد (فرهانی منفرد، ۱۱۸ و ۱۲۱). علاوه بر این که خطبه‌های نماز جمعه فرصتی مناسب ایجاد می‌کرد تا نمایندگان مذهبی حاکمان بتوانند در حقانیت، مشروعیت و تأیید حکومت صفویان بکوشند.

گزینش برخی دیگر از آیات احکام برای تفسیر

وجود تمایلات شدید شیعی و نیاز جامعه به قوانین علمی و فقهی باعث می‌گردید تا توجه ویژه‌ای به فقه شیعه و مبانی و دلایل قرآنی آن بشود. از طرف دیگر وجود برخی اختلاف‌ها میان دو مذهب شیعه و سنی در مسایل عملی مبتلا به سبب شد تا تفاسیر جداگانه‌ای در مورد برخی از آیات فقهی نگاشته شود.

از جمله مسایل عملی که حساسیت و اهمیتی فراوان در نزد عامه مردم نیز داشت مسأله وضو بود. از این رو برخی از فقیهان مفسر عهد صفوی رسائلی در تفسیر آیه وضو (المائدة، ۶) مطابق نظر فقهی خود نوشته‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

الف) تفسیر آیه «فاغسلوا وجوهکم...»، بهاء‌الدین محمدبن حسین عاملی (شیخ بهایی) (د. ۱۰۳۰ق).

ب) تفسیر آیه «فاغسلوا وجوهکم...»، مولی خلیل قزوینی (د. ۱۰۸۹ق).

ج) رساله فی الکلام علی آیه الوضوء، محمدبن محمد (د. ۹۵۷ق) (بکایی، ۱/ ۲۸۵ و ۲۸۶). از آیات دیگری که بنابر نیاز زمان و شرایط اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌گرفت آیه مربوط به نجاست مشرکان (التوبة، ۲۸) بود که رساله‌هایی در تفسیر آن نگاشته می‌شد. نمونه‌ای از آنها «تفسیر آیه نجاسة المشرکین، تألیف قاضی نورالله شوشتری

(د. ۱۰۱۹ ق) است که در آن کلام نیشابوری در مورد طهارت عینی مشرکان را رد کرده است. (همو، ۳۷۴/۱).

نتیجه

با این که قرآن خود امری ثابت است ولی فهم و تفسیر آیات آن می تواند با توجه به عوامل گوناگون از جمله دانش ها و علائق مفسر، معرفت های برون دینی عصر تفسیر و نیز شرایط اجتماعی و سیاسی عصر مفسر از نظر کمی و کیفی دچار تحول گردد. یکی از شواهد صدق این مدعا مطالعه تطبیقی شرایط اجتماعی و سیاسی عصر صفویه و تفسیر نویسی فقهی در این دوره است.

تحقیق حاضر روشن ساخت که با تشکیل دولت شیعی در ایران و رسمیت یافتن مذهب مذکور در این کشور و نیاز به قوانین مدون مطابق این مذهب، ایران کانون فقیهان مفسر شیعی از جمله فقیهان مهاجر گردید و با توجه به نیاز جامعه و حمایت قدرت سیاسی حاکم از فقیهان آثار فقهی تفسیری از جمله تفاسیر فقهی متهددی نگاشته شدند که از نظر کمیت نسبت به دوره های تاریخی قبل از خود، رشد چشم گیری داشته است.

همچنین تحقیق نشان داد که با گسترش تفکر اخباری که علاوه بر مبانی معرفت شناختی خود، ارتباطی با قدرت سیاسی حاکم و شرایط اجتماعی آن عصر داشته است، تفاسیر فقهی هم صبغه نقلی راوی ای پیدا کرده اند و نیز با توجه به شرایط و نیازهای اجتماعی به برخی از موضوعات، سوره ها و آیات توجه ویژه شده و به تفسیر آنها پرداخته شده است.

● منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- آقا بزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، تهران، ۱۳۶۰ش.
- ۲- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، تهران، ۳۷۶ش.
- ۳- ابوالفتح حسینی، امیرابوالفتح جرجانی، تفسیر شاهی (آیات الاحکام)، به کوشش ولی الله اشراقی سرابی، تهران، ۱۳۶۲ش.
- ۴- «احکام القرآن» دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
- ۵- اشراقی سرابی، ولی الله، مقدمه تفسیر شاهی، تهران، ۳۶۲ش.

- ۶- الگار، حامد، دین و دولت در ایران (نقش علماء در دوره قاجار)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- ۷- ایازی، سیدمحمد علی، «زبدة البیان و مقایسه آن با برخی تفاسیر فقهی اهل سنت»، مجموعه مقالات کنگره محقق اردبیلی، قم، ۱۳۷۵ ش.
- ۸- همو، فقه پژوهی قرآنی (درآمدی بر مبانی نظری آیات الاحکام)، قم، ۱۳۸۰ ش.
- ۹- بکایی، محمدحسن، تفسیرنامه، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۰- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، قم، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۱- همو، «حیات فرهنگی و سیاسی ایران در قرن دوازدهم در آینه کتاب تتمیم امل الآمل، مقالات تاریخی (دفتر اول)، قم، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۲- همو، دین و سیاست در دوره صفوی، قم، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۳- جناتی، محمدابراهیم، ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۴- دانش آموز، حبیبیه، «ابوالفتح حسینی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۵- ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، بیروت، ۱۳۹۶ ق.
- ۱۶- شهید ثانی، زین الدین جبعی عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، به کوشش محمدکلانتر، بیروت، دارالعالم الاسلامی، [بی تا].
- ۱۷- شبیبی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علی رضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۸- صالحی، سید عباس، «فقه شیعه و رویکرد به قرآن»، پژوهشهای قرآنی، ش ۷، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۹- طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، [بی تا].
- ۲۰- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، طبقات مفسران شیعه، قم، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۱- همو، «مفسران نامدار قرآن»، کیهان اندیشه، ش ۲۸، ۱۳۶۸ ش.
- ۲۲- فرهانی منفرد، مهدی، مهاجرت علمای شیعه جبل عامل به ایران در عصر صفوی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۲۳- مدرسی طباطبایی، حسین مقدمه ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، ۱۳۶۸ ش.
- ۲۴- مسعودی، محمد مهدی، «گستره مباحث فقهی قرآن»، پژوهش های قرآنی، س ۱، ش ۴، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۵- مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، به کوشش کاظم مدیرشانه چی، مشهد، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۶- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۲۷- مظفر، محمدرضا، تاریخ شیعه، ترجمه و نگارش سیدمحمد باقر حجتی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۸- مظلومی، رجبعلی، علوم قرآن، تهران، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۹- معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد، ۱۳۷۷ ش.
- ۳۰- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی احکام القرآن، به کوشش محمدباقر بهبودی، تهران، المكتبة المرتضویة [بی تا].